

## پیشگفتار

تألیف کتاب *روان‌شناسی یادگیری (از نظریه تا عمل)* برای دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی از چند نظر ضرورت داشت: ناکافی بودن کتابهای درسی مناسب و روزآمد در زمینه یادگیری و پاسخ‌گو نبودن منابع موجود؛ تغییرات گسترده در نظریه‌ها و دیدگاههای روان‌شناسی یادگیری؛ به کارگیری این نظریه‌ها و دیدگاهها در آموزش و سرانجام، طرح چهارچوبی کلی و همه‌جانبه و ارائه برداشتی جامع از یادگیری در قالب الگویی جدید.

در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای فوق، ویرایش جدید کتاب با مرور آخرین منابع موجود در حوزه یادگیری و تجدید نظر اساسی در ساختار، متنی تخصصی و در عین حال کاربردی را برای علاقه‌مندان به شرح زیر فراهم آورده است:

فصل اول به تاریخچه یادگیری اختصاص یافته است. در این مرور ضمن اشاره به آراء افراد مؤثر بر بنیان‌گذاری روان‌شناسی، مکاتبی چون اراده‌گرایی، ساختارگرایی، کارکردگرایی، رفتارگرایی، گشتالت، شناخت‌گرایی و ساختن‌گرایی معرفی شده است. در ادامه، بنیانهای فلسفی نظریه‌های یادگیری در چهارچوب مکاتب خردگرایی، تجربه‌گرایی و وجودگرایی بررسی شده است. بر این اساس، مرور دیدگاههای افلاطون، ارسطو، دکارت، کانت، هیوم، هایدگر، مارتین و دیگران مورد تأکید قرار گرفته است.

در فصل دوم به طرح نظریه‌های رفتاری به عنوان اولین رویکرد علمی در روان‌شناسی پرداخته شده است. در این فصل، ضمن معرفی نظریه‌پردازان مشهور این مکتب از تحقیقات ثرندایک، پاولف، واتسن، جان بروس و اسکینر، همراه با جزئیات بیشتر، سخن به میان آمده است.

در فصل سوم نظریه‌های شناختی اجتماعی مطرح و درباره دیدگاه بندورا در یادگیری مشاهده‌ای، موجبیت دوجانبه، انگیزش و کاربرد آنها در یادگیری بحث شده است.

در فصل چهارم روان‌شناسی گشتالت، بنیان‌گذاران، بسترهای فلسفی، فکری، تاریخی و دستاوردهای این دیدگاه در قالب مفاهیم بینش، اصول سازماندهی ادراکی، تفکر بارور، نظریه اثر حافظه و نظریه میدانی بررسی شده است.

فصل پنجم به دیدگاه ساختن‌گرایی اختصاص یافته است. این فصل شامل دیدگاههای پیازه، ویگوتسکی، ایلریس و کاربردهای آن در یادگیری است.

فصل ششم به الگوی پردازش اطلاعات در یادگیری اختصاص دارد و در آن، الگوهای مختلف حافظه، سطوح پردازش، راهبردها و شیوه‌های یادگیری مطرح شده است.

فصل هفتم به فرایندهای شناختی یادگیری پرداخته است و نظریه‌هایی مانند نظریه رفتار هدفمند تولمن، نظریه اکتشافی برونر، جروم، یادگیری معنادار آزوبل، دیوید، یادگیری مفاهیم، حل مسئله و تفاوت آن با خلاقیت، تفکر انتقادی، نظریه‌های انتقال، فراشناخت و کاربردهای آن در یادگیری مورد توجه قرار گرفته است.

فصل هشتم به مبحث انگیزش و یادگیری اختصاص دارد؛ ضمن اینکه نظریه‌های انگیزش و رابطه آنها با یادگیری مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، نظریه‌های پیشرفت، انگیزه پیشرفت، اسناد، هدف و رابطه آنها با یادگیری مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

فصل نهم به موضوع خودتنظیمی اختصاص یافته و رابطه آن با سایر فرایندهای شناختی (فراشناخت، انگیزش و غیره) مورد بحث قرار گرفته است. همچنین، شرح نظریه‌های گوناگون خودتنظیمی، الگوهای مطرح در این زمینه و رابطه آن با یادگیری از نکات قابل توجه این فصل است.

فصل دهم، معطوف به بررسی یادگیری تجربه‌ای و وجودگرایی است. در این زمینه دو الگوی یادگیری تجربه‌ای کلب و فرایند یادگیری جارویس به تفصیل بررسی شده است.

فصل یازدهم به یادگیری و رشد اختصاص دارد. در این فصل، تاریخچه مطالعه کودک، چشم‌اندازهای نظری رشد (نظریه‌های زیستی، روان‌تحلیلی، رفتارگرایی، شناختی، شناختی اجتماعی، الگوی پردازش اطلاعات، نظریه‌های مبتنی بر بافت و ساختارگرایی) و کاربردهای آموزشی آن مطالعه شده است.

در فصل دوازدهم به بعضی از مسائل مهم یادگیری چون تواناییهای ذاتی انسان در یادگیری، رابطه یادگیری با بافت اجتماعی-اقتصادی و اثر سالمندی بر یادگیری توجه شده است. در ادامه، چشم‌اندازهای نوین چون یادگیری هدایت شده و یادگیری انتقالی، طبقه‌بندی سبکهای یادگیری، چهارچوب نظری جدید در زمینه باورهای معرفت‌شناختی بیان شده است.

تدوین مطالب این اثر با استفاده از عمده‌ترین منابع شناخته شده موجود، اعم از فارسی و لاتین، صورت گرفته است؛ به این امید که پاسخ‌گوی بخشی از سؤالهای دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی در زمینه یادگیری باشد.

بر خود لازم می‌دانم که از تلاش دانشجویان دکتری روان‌شناسی تربیتی خانمها زهرا تنها، سوده رحمانی و روشنک نیک‌پور به دلیل کوشش صمیمانه در جستجوی منابع روزآمد و یافتن راههای جدید برای ارائه مطالب به منظور فراهم آوردن تجربه‌ای پربارتر برای یادگیری قدردانی کنم.

پروین کدیور

عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی

پاییز ۱۳۹۱